

دیوان انوری

جلد اول

(قصاید و غزلیات)

تصحیح:

پروفیسر مسعود خٹک

بہ کوشش: محمد امین احمد پور

سرشناسه : انوری، محمد بن محمد، -۵۹۱ق.

عنوان و نام پدیدآور: دیوان انوری / تصحیح محمدامین احمدپور.

مشخصات نشر: کرمانشاه: دیپاچه، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ج.، مصور.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۲۴-۸۸-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیفا

مندرجات: ج. ۱. قصاید و غزلیات

موضوع: شعر فارسی -- قرن عقی.

Persian poetry -- 12th century

شماره افزوده: احمدپور، محمدامین، ۱۳۶۸-

PIR ۴۸۳۴/د۹ ۱۳۹۸ کنگره:

رده بندی دیویی: ۸۲۳ / ۱ فا ۸

شماره کتابخانه ملی: ۵۱۴۰۲۰۵



انتشارات دیپاچه

دیوان انوری

جلد اول (قصاید و غزلیات)

به کوشش: محمدامین احمدپور

ناشر: دیپاچه

طراح جلد: علی رضا شریفیان

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۹۰۰۰۰ تومان

انتشارات دیپاچه: کرمانشاه، خیابان دبیراعظم، تلفن: ۰۸۳-۳۷۲۲۷۴۱۷

فهرست مطالب

فهرست الفبایی اثر -۱-

قصاید

مصراع اول

- ۱ - ای خصم تو پست و قدر والا ۷۵
- ۲ - ای داده به دست هجر ما را ۷۶
- ۳ - ای قاعده تازه ز دست تو کرم را ۷۸
- ۴ - باز این چه جوانی و جمال است جهان را ۸۰
- ۵ - زان پس که قضا شکل دگر داد جهان را ۸۳
- ۶ - سپهر رفعت و کوه وقار و بحر سخا ۸۴
- ۷ - سپهر رفعت و کوه وقار و بحر سخا ۸۷
- ۸ - صبا به سبزه بیاراست داردینی را ۸۸
- ۹ - نصر فزاینده باد ناصر دین را ۹۰
- ۱۰ - اینک میبینم به بیداریست یا رب یا به خواب ۹۲
- ۱۱ - ای جهان عدل را انصاف تو مالک رقاب ۹۵
- ۱۲ - ای از کمال حسن تو جزوی در آفتاب ۹۶
- ۱۳ - آخر ای خاک خراسان دادیزدانت نجات ۹۸
- ۱۴ - آنک بر سلطان گردون نورریش غالب است ۱۰۰
- ۱۵ - اگر در حیز گیتی کمال است ۱۰۱

- ۱۶ - اگر محول حال جهانیان نه قضاست ۱۰۲
- ۱۷ - ای ترک می بیار که عیدست و بهمن است ۱۰۶
- ۱۸ - ای زمان شهریاری روزگارت ۱۰۸
- ۱۹ - ای ملک بهین رکن تو را کلک وزیرست ۱۱۰
- ۲۰ - ای به همت بر آفتاب دست ۱۱۲
- ۲۱ - باز آمد آنک دولت و دین در پناه اوست ۱۱۳
- ۲۲ - تیر ستم فلک خدنگ است ۱۱۳
- ۲۳ - روز جشن و عجب و بستان است ۱۱۴
- ۲۴ - روز می خوردن و شادی و نشاط و طرب است ۱۱۷
- ۲۵ - زمانه گذران بس حسین و مختار است ۱۲۰
- ۲۶ - شاهان زمانه بنده در گاه جاه است ۱۲۱
- ۲۷ - شهر پر فتنه و پر مشغله و پر غوغاست ۱۲۲
- ۲۸ - صدی که از او دولت و دین جفت ثبات است ۱۲۴
- ۲۹ - عرصه مملکت غور چه نامحدود است ۱۲۶
- ۳۰ - گر چرخ را در این حرکت هیچ مقصد است ۱۲۷
- ۳۱ - ملک مصون است و حصن ملک حصین است ۱۲۸
- ۳۲ - ملک هم بر ملک قرار گرفت ۱۳۰
- ۳۳ - ملک یوسف ای حاتم طی غلامت ۱۳۱
- ۳۴ - منت از کردگار دادگر است ۱۳۳
- ۳۵ - می بیاور که جشن دستورست ۱۳۶
- ۳۶ - منصب از منصب رفیع تر است ۱۳۸
- ۳۷ - نوش لب لعل تو قیمت شکر شکست ۱۴۱
- ۳۸ - هر چه ز آب و آتش و خاک هوای عالم است ۱۴۴
- ۳۹ - یا رب این بارگاه دستور است ۱۴۵
- ۴۰ - آفرین بر حضرت دستور و بر دستور باد ۱۴۷

- ۴۱ - آنگ او دست و دلت را سبب روزی کرد ۱۴۹
- ۴۲ - ای به شاهی ز همه شاهان فرد ۱۵۰
- ۴۳ - ایام زیر رایت رای امیرباد ۱۵۱
- ۴۴ - ای خداوندی که هر کز طاعتت سر برکشد ۱۵۲
- ۴۵ - ای عید دین و دولت عیدت خجسته باد ۱۵۳
- ۴۶ - ای نمودار سپهر لاژورد ۱۵۴
- ۴۷ - ای مودا آسمان بلند ۱۵۵
- ۴۸ - این همایون مقصد دنیا و دین معمور باد ۱۵۷
- ۴۹ - باغ سرمایا - گر دار ۱۵۶
- ۵۰ - تا ملک جهان را مباد ۱۵۹
- ۵۱ - خدای جل جلاله ز من پشیز بد ۱۶۳
- ۵۲ - خدایگانا سال نوت همایون باد ۱۶۴
- ۵۳ - خراب کرد به یکبار بخل کشور جود ۱۶۶
- ۵۴ - خسروا بخت همنشین تو باد ۱۶۷
- ۵۵ - خسروا روزت همه نوروز باد ۱۶۹
- ۵۶ - خسروا ملک بر تو خرم باد ۱۶۹
- ۵۷ - خیزید که هنگام صبح دگر آمد ۱۷۰
- ۵۸ - در دین چو اعتصام به جبل متین کنند ۱۷۳
- ۵۹ - صاحبا جنبشت همایون باد ۱۷۴
- ۶۰ - صاحبا عید بر تو خرم باد ۱۷۵
- ۶۱ - طغرل تگین به تیغ جهان را نظام داد ۱۷۶
- ۶۲ - گرد عالی بنای این محدود ۱۷۷
- ۶۳ - گر دل و دست بحروکان باشد ۱۷۸
- ۶۴ - مبشر آمد و اخبار فتح ختلان داد ۱۸۰
- ۶۵ - ملکا مملکت به کام تو باد ۱۸۰

- ۶۶ - هزار سال زیادت بقای خاتون باد ۱۸۲
- ۶۷ - هر کرا در دور گردون ذکر مقصد می‌رود ۱۸۳
- ۶۸ - ابشروا یا اهل نیشابور اذجاءالبشیر ۱۸۴
- ۶۹ - ای به خوبی و خرمی چو بهار ۱۸۶
- ۷۰ - ای به همت برتر از چرخ اثیر ۱۹۰
- ۷۱ - ای به همت و رای چرخ اثیر ۱۹۱
- ۷۲ - ای به نسبت با تو هرچ آن در ضمیر آید حقیر ۱۹۲
- ۷۳ - ای در نبرد بیدر کرار روزگار ۱۹۴
- ۷۴ - ای زرای تو ملک دین معبر ۱۹۶
- ۷۵ - ای ز رفعت ز آسمان برتر ۲۰۰
- ۷۶ - باد شبگیری خبر آورد باز از بهر ۲۰۱
- ۷۷ - بر سمرقند اگر بگذری ای باد سحر ۲۰۴
- ۷۸ - بر من آمد خورشید نیکوان شبگیر ۲۰۷
- ۷۹ - به فال نیک در آمد به شهر موکب میر ۲۱۰
- ۸۰ - چو زیر مرکز چرخ مدور ۲۱۲
- ۸۱ - چو داد از دور این نیلی دوایر ۲۱۷
- ۸۲ - خوشا نواحی بغداد جای فضل و هنر ۲۲۰
- ۸۳ - جبل متین ملک دو تا کرد روزگار ۲۲۵
- ۸۴ - دوش از درم درآمد سرمست و بی قرار ۲۲۸
- ۸۵ - دوش چون چشمه خورشید سپهر دوار ۲۳۱
- ۸۶ - دوش در هجر آن بت عیار ۲۳۴
- ۸۷ - دی بامداد عید که بر صدر روزگار ۲۳۶
- ۸۸ - دی چو بشکست شهنشاه فلک نوبت بار ۲۳۹
- ۸۹ - رئیس مشرق و مغرب ضیاءدین منصور ۲۴۲
- ۹۰ - زهی دست وزارت از تو معمور ۲۴۴

- ۹۱ - زهی ز بارگه ملک تو سفیر سفیر ۲۴۶
- ۹۲ - شبی گذاشته‌ام دوش در غم دلبر ۲۴۷
- ۹۳ - مست شبانه بودم و افتاده بی خبر ۲۴۹
- ۹۴ - نماز شام چو کردم بسیج راه سفر ۲۵۳
- ۹۵ - ای بر اعدا و اولیا پیروز ۲۵۶
- ۹۶ - ای جهان را به خدمت تو نیاز ۲۵۷
- ۹۷ - زنا بی لی نعمت من باد دراز ۲۵۸
- ۹۸ - موب عالی دستور جهان آمد باز ۲۵۹
- ۹۹ - چون مراد بویش لب ملک ری کردم قیاس ۲۶۱
- ۱۰۰ - ای شادی جان آفرین ۲۶۲
- ۱۰۱ - ای نهان گشته در برتری خیس ۲۶۴
- ۱۰۲ - زهی دست تو بر سر آفرینش ۲۶۵
- ۱۰۳ - دوش سر مست آمدم به وثاق ۲۶۶
- ۱۰۴ - مقدری نه به آلت به قدرت مطلق ۲۶۸
- ۱۰۵ - ای سپاهت را ظفر لشکرکش و نصرت یزک ۲۷۰
- ۱۰۶ - ای گشته نوک کلک تو صورت نگار ملک ۲۷۱
- ۱۰۷ - ای نمودار ارتفاع فلک ۲۷۳
- ۱۰۸ - حبذا کارنامه ارتنگ ۲۷۴
- ۱۰۹ - ای به هستی داده گیتی را کمال ۲۷۴
- ۱۱۰ - ای تو را کرده خداوند خدای متعال ۲۷۶
- ۱۱۱ - ای کرده درد عشق تو اشکم به خون بدل ۲۷۷
- ۱۱۲ - به نیک طالع و فرخنده روز و فرخ فال ۲۷۹
- ۱۱۳ - جرم خورشید چو از حوت در آید به حمل ۲۸۲
- ۱۱۴ - خدای خواست که گیرد زمانه جاه و جلال ۲۸۵
- ۱۱۵ - سایه افکند مه روزه و روز تحویل ۲۸۷

- ۱۱۶ - مؤتمن اسعد بن اسماعیل ۲۸۹
- ۱۱۷ - مرجبا موکب خاتون اجل ۲۹۰
- ۱۱۸ - آفرین باد بر چو تو مخدوم ۲۹۱
- ۱۱۹ - اختیار ملوک هفت اقلیم ۲۹۳
- ۱۲۰ - ای بارگاه صاحب عادل خود این منم ۲۹۵
- ۱۲۱ - ای به استحقاق شاه شرق را قایم مقام ۲۹۷
- ۱۲۲ - ای خنجر مظفر تو پشت ملک عالم ۲۹۹
- ۱۲۳ - ای را به رفعت بنیاد نظم عالم ۳۰۱
- ۱۲۴ - ای زرین نعل آهنگر سم ۳۰۳
- ۱۲۵ - ای فخر همه نژاد عال ۳۰۵
- ۱۲۶ - ای کلک تو پشت ملک عالم ۳۰۶
- ۱۲۷ - ای گرفته عالم از عدلت نظام ۳۰۸
- ۱۲۸ - به حکم دعوی زیج و گواهی تقویم ۳۱۰
- ۱۲۹ - جرم خورشید دوش چون گه شام ۳۱۲
- ۱۳۰ - دوش سلطان چرخ آینه فام ۳۱۵
- ۱۳۱ - زندگانی مجلس سامی در اقبال تمام ۳۱۸
- ۱۳۲ - شرف گوهر اولاد نظام ۳۱۹
- ۱۳۳ - گیتی به سر سنان گشادیم ۳۲۱
- ۱۳۴ - مبارک باد و میمون باد و خرم ۳۲۱
- ۱۳۵ - مرجبا نو شدن و آمدن ماه صیام ۳۲۳
- ۱۳۶ - مملکت را به کلک داد نظام ۳۲۵
- ۱۳۷ - من که این صفه همایونم ۳۲۸
- ۱۳۸ - آیت مجد آیتی است مبین ۳۲۹
- ۱۳۹ - افتخار زمان و فخر زمین ۳۳۲
- ۱۴۰ - ای جهانیت به مهر دل جوان ۳۳۴

- ۱۴۱ - ای جهان را ایمنی از دولت طغرلتگین ۳۳۴
- ۱۴۲ - ای جهان را جمال و جاه توزین ۳۳۶
- ۱۴۳ - ای در شاهی در طغرلتگین ۳۳۶
- ۱۴۴ - ای ز کلک تو راست کار جهان ۳۳۷
- ۱۴۵ - چو شاه زنگ بر آورد لشکر از مکمن ۳۳۸
- ۱۴۶ - سه ماهه فراق تو بر اهل خراسان ۳۴۱
- ۱۴۷ - صائب زگار و صدر زمین ۳۴۴
- ۱۴۸ - کو صف جم گه با بین ۳۴۶
- ۱۴۹ - نماز شام و خورشید کنید گردان ۳۴۹
- ۱۵۰ - و علیک السلام فخر دین ۳۵۲
- ۱۵۱ - ای باد خاک مرکب کرون شایب ته ۳۵۴
- ۱۵۲ - ای جهان را موسم آزادی ایام تو ۳۵۵
- ۱۵۳ - ای ز قدر تو آسمان در گو ۳۵۶
- ۱۵۴ - ای شمس دین و شمس فلک آسمان تو ۳۵۷
- ۱۵۵ - ای فخر کرده دین خدای از مکان تو ۳۵۷
- ۱۵۶ - از محاق قضا برون شد ماه ۳۵۹
- ۱۵۷ - ای به گوهر تا به آدم پادشاه ۳۶۱
- ۱۵۸ - ای تیغ تو ملک عجم گرفته ۳۶۲
- ۱۵۹ - ای رایت دولت ز تو بر چرخ رسیده ۳۶۴
- ۱۶۰ - ای ز یزدان تا ابد ملک سلیمان یافته ۳۶۶
- ۱۶۱ - ای سراپرده سفید و سیاه ۳۶۷
- ۱۶۲ - ای ممالک را مبارک پادشاه ۳۶۹
- ۱۶۳ - ای همان همت سر بر سپهر افراخته ۳۷۰
- ۱۶۴ - جلال صدر وزارت جمال حضرت شاه ۳۷۱
- ۱۶۵ - حبذا بخت مساعد که سوی حضرت شاه ۳۷۳

- ۱۶۶ - خاص سلطان علاء دین آله ۳۷۵
- ۱۶۷ - زهی ز خلق تو خلق خدای آسوده ۳۷۷
- ۱۶۸ - زهی کارت از چرخ بالا گرفته ۳۷۸
- ۱۶۹ - سپاس از ایزد کاندز پناه دولت و جاه ۳۸۰
- ۱۷۰ - شاها صیوح فتح و ظفر کن شراب خواه ۳۸۲
- ۱۷۱ - کمال کل ممالک جمال حضرت شاه ۳۸۳
- ۱۷۲ - آخر ای قوه نه از بهر من از بهر خدای ۳۸۵
- ۱۷۳ - اختیار سکنه دانی ۳۸۷
- ۱۷۴ - ای برادر بشیری در شعری و شاعری ۳۸۹
- ۱۷۵ - ای برده ز شاهان سست شاه ۳۹۱
- ۱۷۶ - ای بر سر کتاب تو را مصدق داهی ۳۹۲
- ۱۷۷ - ای به درگاه تو بر قصه رسان ۳۹۳
- ۱۷۸ - ای تو را گشته مسخر چشم دیو و پری ۳۹۴
- ۱۷۹ - ای چو عقل اول از آرایش نقصان بری ۳۹۵
- ۱۸۰ - ای خداوندی که مقصود بنی آدم تویی ۳۹۷
- ۱۸۱ - ای رفته بر فرخی و فیروزی ۳۹۷
- ۱۸۲ - ای ز تیغ تو در سرافرازی ۳۹۸
- ۱۸۳ - ای عاقله چرخ به نام تو مباهی ۴۰۰
- ۱۸۴ - ای قبله کوی خاکی و آبی ۴۰۱
- ۱۸۵ - ای کرده ز تیغ فلک تحاشی ۴۰۲
- ۱۸۶ - ای مسلمانان فغان از دور چرخ چنبری ۴۰۲
- ۱۸۷ - ای ملک تو را عرصه عالم سرکویی ۴۰۸
- ۱۸۸ - ای همایون در فرخنده سرای ۴۰۹
- ۱۸۹ - جشن عید اندرین همایون جای ۴۱۰
- ۱۹۰ - حبذا بزمی کزاو هر دم دگرگون زیوری ۴۱۲

- ۱۹۱ - حکم یزدان اقتضا آن کرده بودست از سری ۴۱۵
- ۱۹۲ - خرد را دوش می‌گفتم که ای اکسیر دانایی ۴۱۷
- ۱۹۳ - دلم ای دوست تو داری دانی ۴۱۸
- ۱۹۴ - دو عیدست ما را ز روی دو معنی ۴۲۱
- ۱۹۵ - زهی از کلکت اندر چشم دولت کحل بیداری ۴۲۲
- ۱۹۶ - زهی بگرفته از مه تا به ماهی ۴۲۳
- ۱۹۷ - زجا زجا در آید در آید ۴۲۵
- ۱۹۸ - زحک ای صورت منصوره باغی و سرای ۴۲۵
- ۱۹۹ - یافت احسن جهان رونق جاویدانی ۴۲۷

غزلیات

مصرع اول شعر

- ۱ - از دور بدیدم آن پری را ۴۲۰
- ۲ - ای غارت عشق تو جهان‌ها ۴۲۰
- ۳ - ای کرده خجل بتان چین را ۴۲۱
- ۴ - ای کرده در جهان غم عشقت سمر مرا ۴۲۱
- ۵ - بیا ای جان بیا ای جان بیا فریادرس ما را ۴۲۲
- ۶ - تا بود در عشق آن دلبر گرفتاری مرا ۴۲۲
- ۷ - جانا به جان رسید ز عشق تو کار ما ۴۲۰
- ۸ - جرمی ندارم بیش از این کز جان وفا دارم تو را ۴۲۳
- ۹ - گر باز دگر باره ببینم مگر او را ۴۲۳
- ۱۰ - ای از بنفشه ساخته گلبرگ را نقاب ۴۲۳
- ۱۱ - خه خه به نام ایزد آن روی کیست یا رب ۴۲۴
- ۱۲ - از تو بریدن صنما روی نیست ۴۲۵
- ۱۳ - امید وصل تو کاری دراز است ۴۲۵

- ۴۳۵ ۱۴ - ای بدیده دریغ خاک درت
- ۴۳۶ ۱۵ - ای برادر عشق سودایی خوش است
- ۴۳۶ ۱۶ - ای یار مرا غم تو یارست
- ۴۳۶ ۱۷ - باز کی گیرم اندر آغوش
- ۴۳۷ ۱۸ - باز ماندم در غم و تیمار او تدبیر چیست
- ۴۳۷ ۱۹ - بی مهر جمال تو دلی نیست
- ۴۳۷ ۲۰ - پایم از عشق در سنگ آمدست
- ۴۳۸ ۲۱ - تا دل مسکین من در کار توست
- ۴۳۸ ۲۲ - جانا دلم از خال سیاه تو به خال است
- ۴۳۹ ۲۳ - جرم رهی دوستی روی توست
- ۴۳۹ ۲۴ - جمالت بر سر خوبی کلاه است
- ۴۳۹ ۲۵ - حسن را از وفا چه آزارست
- ۴۴۰ ۲۶ - خه از کجاست پرسم چون است روزگارت
- ۴۴۰ ۲۷ - خواجه سلام علیک درد مرا چاره چیست
- ۴۴۱ ۲۸ - در همه مملکت مرا جانیست
- ۴۴۱ ۲۹ - در همه عالم وفاداری کجاست
- ۴۴۱ ۳۰ - دل بی تو به صد هزار زاریست
- ۴۴۲ ۳۱ - دل در آن یار دل آویز آویخت
- ۴۴۲ ۳۲ - دیدگان پر آب دارم از غم نادیدنت
- ۴۴۲ ۳۳ - رایت حسن تو از مه بر گذشت
- ۴۴۳ ۳۴ - رخت مه را رخ و فرزین نهادست
- ۴۴۳ ۳۵ - روی برگشتم از روی تو نیست
- ۴۴۳ ۳۶ - ز عشق تو نهانم آشکارست
- ۴۴۴ ۳۷ - عشق تو از ملک جهان خوشترست
- ۴۴۴ ۳۸ - عشق تو قضای آسمانیست

- ۳۹ - عشق تو دل را نکو پیرایه ایست ۴۴۵
- ۴۰ - غم عشق تو از غم‌ها نجات است ۴۴۵
- ۴۱ - کار دل از آرزوی دوست به جان است ۴۴۶
- ۴۲ - کارم ز غمت به جان رسیدست ۴۴۶
- ۴۳ - گلبن عشق تو بی خار آمدست ۴۴۶
- ۴۴ - ماه خون چهره زیبای تو نیست ۴۴۷
- ۴۵ - مرا سیاهی تو حال چون است ۴۴۷
- ۴۶ - معشوقه به رنگ هزگارست ۴۴۷
- ۴۷ - مکن ای دل که عشق کار تو نیست ۴۴۸
- ۴۸ - مهرت به دل و به جان بیغ است ۴۴۸
- ۴۹ - هر شکن از زلف تو از سسک می دگرست ۴۴۹
- ۵۰ - هر که چون من به کفرش ایماز است ۴۴۹
- ۵۱ - یار با من چون سر یاری نداشت ۴۵۰
- ۵۲ - یار ما را به هیچ برنگرفت ۴۵۰
- ۵۳ - یارب چه بلای عشق یارست ۴۵۱
- ۵۴ - آب جمال جمله به جوی تو می رود ۴۴۹
- ۵۵ - آرزوی روی تو جانم ببرد ۴۵۱
- ۵۶ - آن روزگار کو که مرا یار یار بود ۴۵۲
- ۵۷ - آنج بر من در غم آن نامسلمان می رود ۴۵۲
- ۵۸ - آن را که غمت ز در درآید ۴۵۳
- ۵۹ - از بس که کشیدم از تو بیداد ۴۵۳
- ۶۰ - از نازکی که رنگ رخ یار می نماید ۴۵۴
- ۶۱ - ای بهار دلم بهار آمد ۴۵۴
- ۶۲ - ای حریفان خفته برخیزید ۴۵۵
- ۶۳ - ای دلبر عیار تو را یار توان بود ۴۵۵

- ۴۵۵ ۶۴ - ای مانده من از جمال تو فرد
- ۴۵۶ ۶۵ - با روی دل افروزت شادان بنمی ماند
- ۴۵۶ ۶۶ - باز اگر یکبار دیگر یار یار من بود
- ۴۵۶ ۶۷ - باز دستم به زیر سنگ آورد
- ۴۵۷ ۶۸ - با زلف تو کفر بر نیاید
- ۴۵۷ ۶۹ - با قد تو قد سرو خم دارد
- ۴۵۷ ۷۰ - بتی دارم که یک ساعت مرا بی غم بگذارد
- ۴۵۸ ۷۱ - بدرود شب و ش که چون ماه بر آمد
- ۴۵۸ ۷۲ - بدیدم جهان را نوا ن ندارد
- ۴۵۹ ۷۳ - بردار دل ز خوبان خویش وفا دارند
- ۴۵۹ ۷۴ - به بیل عشق تو دل گل ندارد
- ۴۵۹ ۷۵ - به عمری در کفم یاری نیاید
- ۴۶۰ ۷۶ - بی عشق توام به سر نخواهد شد
- ۴۶۰ ۷۷ - بی وصل تو آتش جگر خیزد
- ۴۶۱ ۷۸ - تا کار مرا وصل تو تیمار ندارد
- ۴۶۱ ۷۹ - تا ماه رویم از من رخ در حجب دارد
- ۴۶۱ ۸۰ - تو را کز نیکوان یاری نباشد
- ۴۶۲ ۸۱ - جانا دلم از غمت به جان آمد
- ۴۶۲ ۸۲ - جانان دهان تنگت صد تنگ شکر ارزد
- ۴۶۳ ۸۳ - جان نقش رخ تو بر نگین دارد
- ۴۶۳ ۸۴ - جان وصال تو تقاضا می کند
- ۴۶۴ ۸۵ - جمالش از جهان غوغا بر آورد
- ۴۶۴ ۸۶ - جهان بی روی تو خرم نباشد
- ۴۶۴ ۸۷ - چو کاری ز یارم همی بر نیاید
- ۴۶۵ ۸۸ - چون کسی نیست که از جور تو فریاد رسد

- ۸۹ - حسن او عشق من افزون می کند ۴۶۵
- ۹۰ - حسنت اندر جهان نمی گنجد ۴۶۶
- ۹۱ - حسن تو گر بر همین قرار بماند ۴۶۶
- ۹۲ - حسن تو بر ماه لشکر می کشد ۴۶۶
- ۹۳ - حسنش از رخ چو پرده برگیرد ۴۶۷
- ۹۴ - حلقه زلف تو بر گوش همی جان ببرد ۴۶۷
- ۹۵ - درد تو را نهان نماند ۴۶۸
- ۹۶ - درد تو دل به سر نمی آید ۴۶۸
- ۹۷ - در دور تو کسی این یابد ۴۶۸
- ۹۸ - دردم فزود و درد به دلم نمی رسد ۴۶۹
- ۹۹ - در همه آفاق دلداری ندانم ۴۶۹
- ۱۰۰ - دست در وصل یار می نرسد ۴۷۰
- ۱۰۱ - دست در روزگار می نشود ۴۷۰
- ۱۰۲ - دلبر هنوز ما را از خود نمی شمارد ۴۷۱
- ۱۰۳ - دل در هوست ز جان بر آید ۴۷۱
- ۱۰۴ - دلم را انده جان می ندارد ۴۷۲
- ۱۰۵ - دل راه صلاح بر نمی گیرد ۴۷۲
- ۱۰۶ - دل ز درد تو مینیاساید ۴۷۲
- ۱۰۷ - دل ز عشقش رخ به خون تر می کند ۴۷۳
- ۱۰۸ - دوستی یک دلم همی باید ۴۷۳
- ۱۰۹ - دوش تا روز یار در بر بود ۴۷۴
- ۱۱۰ - دوش آنک همه جهان ما بود ۴۷۴
- ۱۱۱ - رنگ عاشق چو زعفران باشد ۴۷۴
- ۱۱۲ - روز من بی روی تو خرم مباد ۴۷۵
- ۱۱۳ - روی تو آرام دل ها می برد ۴۷۵

- ۱۱۴ - روی خوبت خدای می داند ۴۷۶
- ۱۱۵ - ز عمرم بی تو درد دل فزاید ۴۷۶
- ۱۱۶ - ز عهد تو بوی وفا می نیاید ۴۷۶
- ۱۱۷ - زلفش اندر حور تلقین می کند ۴۷۷
- ۱۱۸ - زلفت چو به دلبری درآمد ۴۷۷
- ۱۱۹ - زلف تو تکیه بر قمر دارد ۴۷۸
- ۱۲۰ - ز هجران ز جانم می برآید ۴۷۸
- ۱۲۱ - سخت ز زنی بچشم بدت دور باد ۴۷۹
- ۱۲۲ - صبر با عشق بس نم آید ۴۷۹
- ۱۲۳ - صبر کن ای دل به آن باد هجران بگذرد ۴۷۹
- ۱۲۴ - طاقتم در فراق تو برسید ۴۸۰
- ۱۲۵ - طاقت عشق تو زین بیشم نماند ۴۸۰
- ۱۲۶ - عالمی در ره تو حیرانند ۴۸۱
- ۱۲۷ - عجب عجب که تو را یاد دوستان آمد ۴۸۱
- ۱۲۸ - عشق تو بر هر که عافیت به سر آرد ۴۸۱
- ۱۲۹ - عشق تو محنتی به روی آرد ۴۸۲
- ۱۳۰ - عشقم این بار جان نخواهد برد ۴۸۲
- ۱۳۱ - عشق تو را خرد نباید شمرد ۴۸۳
- ۱۳۲ - غارت عشقت به دل و جان رسید ۴۸۳
- ۱۳۳ - فلک با تو به شوخی بر نیاید ۴۸۳
- ۱۳۴ - گر دل تو همی چنان خواهد ۴۸۴
- ۱۳۵ - گل رخسار تو چون دسته بستند ۴۸۴
- ۱۳۶ - گر نیستی آن چنان که می باید ۴۸۵
- ۱۳۷ - گر وفا با جمال یار کند ۴۸۵
- ۱۳۸ - مرا با دلبری کاری بیفتاد ۴۸۵

- ۱۳۹ - مرا تأثیر عشقت بر دل آمد ۴۸۶
- ۱۴۰ - مرا تا کی فلک رنجور دارد ۴۸۶
- ۱۴۱ - مرا صورت نمی‌بندد که دل یاری دگر گیرد ۴۸۷
- ۱۴۲ - مرا چر چون تو دلداری نباشد ۴۸۷
- ۱۴۳ - مرا لبان تو باید شکر چه سود کند ۴۸۷
- ۱۴۴ - معشوق دل بیرد و همی قصد دین کند ۴۸۸
- ۱۴۵ - من از نیم که مرا بی تو جان تواند بود ۴۸۸
- ۱۴۶ - زیت حسن تو را لطف تو گر پنج کند ۴۸۹
- ۱۴۷ - نه چو شیرین لب سکر باشد ۴۸۹
- ۱۴۸ - نه در وصال نه بنده ام دل برساند ۴۸۹
- ۱۴۹ - نه دل کم عشق یرای گیر ۴۹۰
- ۱۵۰ - نه وعده وصلت انتظار ارزد ۴۹۰
- ۱۵۱ - وصلت به آب دیده میسر نمی‌شود ۴۹۱
- ۱۵۲ - هر چ از وفا به جای من آن بی وفا کند ۴۹۱
- ۱۵۳ - هر چه با من کنی روا باشد ۴۹۲
- ۱۵۴ - هر چه مرا روی تو به روی رساند ۴۹۲
- ۱۵۵ - هر که را عشقت به هم بر می‌زند ۴۹۲
- ۱۵۶ - هر که را کار با تو درگیرد ۴۹۳
- ۱۵۷ - هر ک دل بر چون تو دلداری نهد ۴۹۳
- ۱۵۸ - یار با هر کسی سری دارد ۴۹۴
- ۱۵۹ - یار در خوبی قیامت می‌کند ۴۹۴
- ۱۶۰ - یار دل در میان نمی‌آرد ۴۹۴
- ۱۶۱ - یار گرد وفا نمی‌گردد ۴۹۵
- ۱۶۲ - یارم این بار بار می‌نهد ۴۹۵
- ۱۶۳ - یا وصل تو را نهایتی باید ۴۹۶

- ۱۶۴ - ای شده از رخ تو تاب قمر ۴۹۶
- ۱۶۵ - ای غم تو جسم را جانی دگر ۴۹۶
- ۱۶۶ - تکیه مکن بر جمال کان نکند پایدار ۴۹۷
- ۱۶۷ - دلا در عاشقی جانی زبان گیر ۴۹۷
- ۱۶۸ - ساقیا باده صبح بیار ۴۹۸
- ۱۶۹ - سلام علیک ای جفا پیشه یار ۴۹۸
- ۱۷۰ - هیچ دانی به سر صحبت ما دارد یار ۴۹۸
- ۱۷۱ - تخته عشق به نوشتن باز ۴۹۹
- ۱۷۲ - جمالت عشق می افزا ۴۹۹
- ۱۷۳ - شب کوتاه است و ناله غم های من دراز ۴۹۹
- ۱۷۴ - قیامت می کنی ای کافر روز ۵۰۰
- ۱۷۵ - جانا به غریستان چندین بنماند کس ۵۰۰
- ۱۷۶ - چاره عشق تو نداند کس ۵۰۰
- ۱۷۷ - باز دوش آن صنم عشوہ فروش ۵۰۱
- ۱۷۸ - به جان آمد مرا کل از دل خویش ۵۰۲
- ۱۷۹ - رفت از بر من یار و ربود از دل من هوش ۵۰۲
- ۱۸۰ - نگارا بر سر عهد و وفا باش ۵۰۲
- ۱۸۱ - دوش در ره نگار آمد پیش ۵۰۲
- ۱۸۲ - ای خوبتر ز رویت بشکفت در جهان گل ۵۰۳
- ۱۸۳ - کرا در شهر بر گویم غم دل ۵۰۳
- ۱۸۴ - آخر به مراد دل رسیدیم ۵۰۳
- ۱۸۵ - آخر در زهد و توبه در بستم ۵۰۴
- ۱۸۶ - ای آرزوی جانم در آرزوی آنم ۵۰۴
- ۱۸۷ - از عشقت ای شیرین صنم گر چه به سر بر می زنم ۵۰۵
- ۱۸۸ - اگر نقش رخت بر جان ندارم ۵۰۵

- ۱۸۹ - ای دوست تر از جانم زین بیش مر جانم ۵۰۵
- ۱۹۰ - ای روی خوب تو سبب زندگانیم ۵۰۶
- ۱۹۱ - ای زلف تابدار تو را صد هزار خم ۵۰۶
- ۱۹۲ - ای مسلمانان ز جان سیر آمدم ۵۰۷
- ۱۹۳ - بر آن عزمم که دیگر ره به می خانه کمر بندم ۵۰۷
- ۱۹۴ - بر آنم کز تو هرگز برنگردم ۵۰۷
- ۱۹۵ - ای احوال جانم که جان را بر تو افشانم ۵۰۷
- ۱۹۶ - نا بیننی که من بر چه کارم ۵۰۸
- ۱۹۷ - بیا که با من زلف کارها دارم ۵۰۸
- ۱۹۸ - بی تو جانا زندگانم ۵۰۹
- ۱۹۹ - پای بر جای نیست ۵۰۹
- ۲۰۰ - تا به کوی تو رهگذر دارم ۵۱۰
- ۲۰۱ - تا به مهر تو تولا کرده‌ام ۵۱۰
- ۲۰۲ - تا رخت دل اندر سر زلف تو نهادیم ۵۱۰
- ۲۰۳ - تا رنگ مهر از رخ روشن گرفته‌ام ۵۱۱
- ۲۰۴ - تا نپنداری که دستان می کنم ۵۱۱
- ۲۰۵ - تو دانی که من جز تو کس را ندانم ۵۱۱
- ۲۰۶ - تو را من دوست می‌دارم ندانم چیست درمانم ۵۱۲
- ۲۰۷ - جانا ز غم عشق تو امروز چنانم ۵۱۲
- ۲۰۸ - چه گویی با تو در گیرد که از بندی برون آیم ۵۱۳
- ۲۰۹ - داری خبر که در غمت از خود خبر ندارم ۵۱۳
- ۲۱۰ - دردا و دریغا که دل از دست بدادم ۵۱۳
- ۲۱۱ - درد دل هر زمان فزون دارم ۵۱۴
- ۲۱۲ - در دست غم یار دلارام بماندم ۵۱۴
- ۲۱۳ - درمان دل خود از که جویم ۵۱۵

- ۲۱۴ - دل از خوبان دیگر برگرفتم ۵۱۵
- ۲۱۵ - دل باز به عاشقی در افکندم ۵۱۵
- ۲۱۶ - دل بدادیم و جان نمی‌خواهیم ۵۱۶
- ۲۱۷ - دل رفت و این بتا که به دلبر نمی‌رسم ۵۱۶
- ۲۱۸ - روز دو از عشق پشیمان شوم ۵۱۶
- ۲۱۹ - روی ندارم که روی از تو بتایم ۵۱۷
- ۲۲۰ - ره فرا کار برد نمی‌دانم ۵۱۷
- ۲۲۱ - زان پس که در وفایت عمری به باد دادم ۵۱۸
- ۲۲۲ - ساقی اندر خواب اند خیزد علام ۵۱۸
- ۲۲۳ - سر آن دارم کامرور یار شوم ۵۱۸
- ۲۲۴ - عشقت اندر میان جان دارم ۵۱۹
- ۲۲۵ - عمر بی تو به سر چگونه برم ۵۱۹
- ۲۲۶ - کار جهان نگر که جفای که می‌کشم ۵۲۰
- ۲۲۷ - کارم به جان رسید و به جانان نمی‌رسم ۵۲۰
- ۲۲۸ - کس نداند در غمت چون سوختم ۵۲۰
- ۲۲۹ - گر عزیزم بر تو گر خوارم ۵۲۱
- ۲۳۰ - مست از درم در آمد دوش آن مه تمام ۵۲۱
- ۲۳۱ - من که باشم که تمنای وصال تو کنم ۵۲۲
- ۲۳۲ - نگارا جز تو دلداری ندارم ۵۲۲
- ۲۳۳ - نو به نو هر روز باری می‌کشم ۵۲۳
- ۲۳۴ - هر چند به جای تو وفا دارم ۵۲۳
- ۲۳۵ - هر چند غم عشقت پوشیده همی دارم ۵۲۳
- ۲۳۶ - هر غم که ز عشق یار می‌بینم ۵۲۴
- ۲۳۷ - یار چون در خورد همت می‌کنم ۵۲۴
- ۲۳۸ - یارم توئی به عالم یاری دگر ندارم ۵۲۵

- ۲۳۹ - یعلم الله که دوستدار توام ۵۲۵
- ۲۴۰ - آتش ای دلبر مرا بر جان مزین ۵۲۵
- ۲۴۱ - ای باد صبحدم خبری ده ز یار من ۵۲۶
- ۲۴۲ - ای بت یغما دلم یغما مکن ۵۲۶
- ۲۴۳ - ای بنده روی تو خداوندان ۵۲۶
- ۲۴۴ - به عمری آخرم روزی وفا کن ۵۲۷
- ۲۴۵ - کرد خیمه حسنت طناب خویش مبین ۵۲۷
- ۲۴۶ - در عشق سخت کارست جور تو دوست بردن ۵۲۷
- ۲۴۷ - روی خور خویش را پنهان مکن ۵۲۸
- ۲۴۸ - ز من چهره خوش پنهان کن ۵۲۸
- ۲۴۹ - شرم دار آخر جفا چندین مکن ۵۲۸
- ۲۵۰ - عاشقی چیست مبتلا بودن ۵۲۹
- ۲۵۱ - عشق بر من سر نخواهد آمدن ۵۲۹
- ۲۵۲ - هم مصلحت نبینی رویی به ما نمودن ۵۲۹
- ۲۵۳ - ای جان من به جان تو کز آرزوی تو ۵۳۰
- ۲۵۴ - ای قبابی حسن بر بالای تو ۵۳۰
- ۲۵۵ - ای مردمان ندانید آرام جان من کو ۵۳۰
- ۲۵۶ - ای من رهی عارض و خط سیاه تو ۵۳۱
- ۲۵۷ - ترک من ای من سگ هندوی تو ۵۳۱
- ۲۵۸ - جرم رهی دوستی روی تو ۵۳۲
- ۲۵۹ - ای رخت رشک آفتاب شده ۵۳۲
- ۲۶۰ - ای ایزد از لطافت محضت بیافریده ۵۳۲
- ۲۶۱ - آخر ای جان جهان با من جفا تا کی کنی ۵۳۳
- ۲۶۲ - آگه نه ای ز حال من ای جان و زندگانی ۵۳۳
- ۲۶۳ - از من ای جان روی پنهان می کنی ۵۳۳

- ۵۳۴ ۲۶۴ - الحق نه دروغ محتشم یاری
- ۵۳۴ ۲۶۵ - ای خوبتر ز خوبی نیکوتر از نکویی
- ۵۳۴ ۲۶۶ - ای دل تو مرا به باد دادی
- ۵۳۵ ۲۶۷ - ای دوست به کام دشمنم کردی
- ۵۳۵ ۲۶۸ - ای دیر به دست آمده و زود برفتی
- ۵۳۵ ۲۶۹ - ای روی تو آیت نکویی
- ۵۳۶ ۲۷۰ - ای غایت - ش این جهانی
- ۵۳۶ ۲۷۱ - ای کارم تو مگساری
- ۵۳۷ ۲۷۲ - ای همه چایک و زبانی
- ۵۳۷ ۲۷۳ - ای همه دلبری و نیایی
- ۵۳۷ ۲۷۴ - باز آهنگ جفایی می کنی
- ۵۳۸ ۲۷۵ - با من اندر گرفته ای کاری
- ۵۳۸ ۲۷۶ - بختی نه پس مساعد یاری چنان که انی
- ۵۳۹ ۲۷۷ - بد خوی تری مگر خبر داری
- ۵۳۹ ۲۷۸ - بر مه از عنبر عذار آورده ای
- ۵۴۰ ۲۷۹ - بس دل افروز دل آرام آمدی
- ۵۴۰ ۲۸۰ - بگفتی کزین پس کنم سازگاری
- ۵۴۰ ۲۸۱ - بی گناه از ما تبراً می کنی
- ۵۴۱ ۲۸۲ - بنامیزد به چشم من چنانی
- ۵۴۱ ۲۸۳ - تا که دستم زیر سنگ آورده ای
- ۵۴۲ ۲۸۴ - تا دل من برده ای قصد جفا کرده ای
- ۵۴۲ ۲۸۵ - تو گر دوست داری مرا گر نداری
- ۵۴۲ ۲۸۶ - جانان اگر به جانت یابم گران نباشی
- ۵۴۳ ۲۸۷ - جانان به کمال صورتی ای
- ۵۴۳ ۲۸۸ - چه نازست این که اندر سر گرفتی

- ۲۸۹ - خه مرجبا و اهلا آخر تو خود کجایی ۵۴۴
- ۲۹۰ - دامن اندر پای صبر آورده‌ای ۵۴۴
- ۲۹۱ - در حسن قرین نوبهار آبی ۵۴۴
- ۲۹۲ - دلم بردی نگارا و آرمیدی ۵۴۵
- ۲۹۳ - دلم بردی و برگشتی زهی دلدار بی معنی ۵۴۵
- ۲۹۴ - دوستا گر دوستی گر دشمنی ۵۴۵
- ۲۹۵ - دلی که پای از خط فرمان بیرون نهادی ۵۴۶
- ۲۹۶ - روی چون ماه آسمان داری ۵۴۶
- ۲۹۷ - زرد رویم چرخ دهن خای ۵۴۷
- ۲۹۸ - سر آن داری نامره - اشا کنی ۵۴۷
- ۲۹۹ - قرطه بگشای و زمانی بشینیش مگوی ۵۴۷
- ۳۰۰ - گر تو را از کار من یاد آمدی ۵۴۸
- ۳۰۱ - گر تو را طبع داوری بودی ۵۴۸
- ۳۰۲ - گرد ماه از مشک خرمن می‌زنی ۵۴۸
- ۳۰۳ - گرفتم سر به پیمان در نیاری ۵۴۸
- ۳۰۴ - گرفتم کز غم من غم نداری ۵۴۹
- ۳۰۵ - گر مرا روزگار یارستی ۵۴۹
- ۳۰۶ - گر من اندر عشق تو جز درد یاری دارمی ۵۵۰
- ۳۰۷ - ما را تو به هر صفت که داری ۵۵۰
- ۳۰۸ - مرا وقتی خوش است امروز حالی ۵۵۱
- ۳۰۹ - مسکین دلم به تیغ جفا ریش کرده‌ای ۵۵۱
- ۳۱۰ - ناز از اندازه بیرون می‌کنی ۵۵۱
- ۳۱۱ - نام وصل اندر زبانی افکنی ۵۵۲
- ۳۱۲ - ندارم جز غم تو غمگساری ۵۵۲
- ۳۱۳ - هرگز از دل خبر نداشته‌ای ۵۵۳

- ۳۱۴ - همچون سر زلف خود شکستی ۵۵۳
- ۳۱۵ - همی تا سر زلف بر رخ فشانی ۵۵۳
- ۳۱۶ - یا بدان رخ نظری بایستی ۵۵۴
- ۳۱۷ - یاد می دار کانچ بنمودی ۵۵۴
- ۳۱۸ - یک دم به مراعات مرا شاد نداری ۵۵۵
- ۳۱۹ - یک زمان از غم نیاسایم همی ۵۵۵

اگر لطف حق رهنمایی کند همه بنده‌ای پادشاهی کند

مقدمه چاپ از:

شکر خدا که هر چه طالب کمال از خدا بر منتهای همت خود کامران شدم خداوند را شاکرم که حاصل ۵ سال رحمت بیجا نب در خدمتی ناچیز به فرهنگ ایران ابتر نمانده و جلد نخست و به امید حضرت حق دو جلد دیگر از ریوس انوری در دسترس علاقه‌مندان به میراث ادب فارسی قرار خواهد گرفت. برای تصحیح جلد اول بیش از ۳۰۰۰ برگه دستنویس به کار گرفته شد و کوشش شد دقتی در خور نام انوری به کار برده شود.

در اینجا لازم است از زحمات آقایان دکتر محمود عابدی که راهنمای فاضلانهاش چراغ راه این کمترین بود و سهیل یاری گلدره و دکتر نورایی که پشتیبانی فکری و فنی رسانیدند تشکر کنم. همچنین از زحمات خانم صیادپور که با حوصله، غرولند بنده را در مرحله تایپ تحلیل کردند سپاسگزارم. از ارشاد و دلگرمی اخوی دانش‌مرد دکتر افشین احمدپور و خواهر گرامی خود دکتر وحیده احمدپور نیز کمال قدردانی را دارم.

در پایان از همه صاحب‌نظران و اهل فن خواستارم نظرات و اقتراحات خود را در باب جلد نخست و سایر مجلدات این اثر از طریق ناشر یا ایمیل من www.menshavi2000@yahoo.com به این کمترین هدیه دهند.